

خوش مزه، به اندازه



• مریم سعیدخواه • تصویرگر: یگانه یعقوب‌نژاد

تولد میشی خرگوشه بود. میشی چند تا هویج و مقداری کاهوی خوش مزه آماده کرد. ماشی یک سبد گردو و میمونک هم یک نارگیل خیلی بزرگ آورد. میشی همه‌ی خوراکی‌ها را توی ظرف ریخت و از دوستانش پذیرایی کرد. ماشی و میمونک همه‌ی خوراکی‌ها را خوردند و باز هم خواستند.

میشی گفت: «کمی هم جا برای خوردن کیک بگذارید شکموها!» بعد رفت تا کیک تولدی را که خودش پخته بود بیاورد.

وقتی میشی کیک را آورد، دل ماشی حسابی درد گرفته بود. آرام به میمونک گفت: «وای! دارم می‌ترکم! حالا چکار کنم!» بعد یکهو داد زد: «آخ! آخ! دلم! دلم!» و به دور رفت توی دست‌شویی.

میمونک هرهر خندید و گفت: «پس سهم کیک تو را هم من می‌خورم.» بعد خواست کیک بخورد، اما...

میمونک و ماشی تند و تند به دست‌شویی می‌رفتند و ناله می‌کردند. میشی هم رفت تا به دکتر جفدی خبر بدهد.

